

# نقدی بر کتاب جغرافیای قاره‌ها و کشورها

غلامرضا گلای زواره

نفسی که مسلمانان صدر اسلام و اصحاب اهل بیت از خود بروز دادند، آیین جاودانی اسلام مرزهای شبه جزیره عربستان را درنوردید و در سراسر گیتی انتشار یافت و پس از مدتی، مسلمین به صورت اکثریتی قابل توجه درآمدند و فرهنگ و تمدنی شکوهمند را در عصری بنیاد نهادند که اروپا بدان هنگام در جهالت قرون وسطا غرق بود. در وضع کنونی متجاوز از یک میلیارد و دویست میلیون نفر مسلمان در جهان زندگی می‌کنند. ما با مسلمانان جهان به لحاظ مشترکات تاریخی و باورهای دینی برادر هستیم و باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که در اسلام مرزهای نواجی اسلامی را عقیده و اندیشه تعیین می‌کند نه پدیده‌های جغرافیایی و ویژگیهای قومی. به قول اقبال لاهوری:

قلب ما از هند و روم و شام نیست  
مرز بوم ما بجز اسلام نیست  
مسلم استی، دل به اقلیمی میند  
گم مشو اندر جهان چون و چند  
می‌نگنجد مسلم اندر مرز و بوم  
در دل او یاوه گردد شام و روم

(دیوان، ص ۷۷)

همین نگرش به همبستگی و وحدت ملتهای مسلمان، افزوده و رشته‌های اخوت ایمانی را استحکام می‌بخشد. پس هر سرزمینی که ساکنان آن مسلمانند، وطن ماست و مسلمین در هر کجا که سکونت دارند، با هم ملت واحدی را تشکیل می‌دهند.

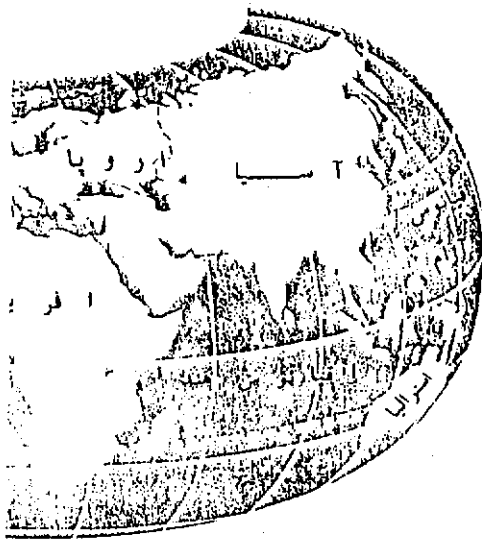


جغرافیای قاره‌ها و کشورها. سال اول آموزش  
متوسطه عمومی. رضا پورزاهد و سیاوش شایان،  
وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۷۲.  
\* اشاره

مسلمانان در آغاز ظهور اسلام به لحاظ کمی در اقلیت به سر می‌بردند. با رهبری پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) و نیز عقیده و ایمان استوار و اعتماد به

فشارهای اجتماعی و غلبه فرهنگ اکثریت را تا حدودی خنثی کنند.

در برخی کشورها، مسلمانان با دولت و اکثریت غیرمسلمان مشکلی ندارند و سیاست زندگی مسالمت آمیز با آنان رعایت می شود. اما در مقابل، در پاره ای از واحدهای سیاسی، مسلمانان تحت فشارهای سیاسی سختی زندگی می کنند. رفتار تبعیض آمیز نسبت



به مسلمانان و محرومیت آنان از حقوق اجتماعی، استحاله آنان در جامعه اکثریت، قتل عام، زندان، شکنجه و آوارگی از جمله تعارضها و خشونت‌هایی است که علیه اقلیتهای مسلمان روا داشته می شود.

با وجود چنین مسائل اسف انگیزی که بر جهان اسلام سایه افکنده، در پرتو انقلاب اسلامی ایران، ارزشهای معنوی در بین اقلیتهای مسلمان احیا گردیده و نسیم طراوت بخشی بر آنان وزیدن گرفته است. در سایه این تحولات شگرف، تحرك و سازندگی آنان افزون گردیده و جنبشها و نهضتهای اسلامی در بین این گروهها، شکل فراگیری یافته است.

از سویی با پیروزی این انقلاب، امت مسلمان ایران از قید و بندهای ملی گرایی آزاد شد و گرایشهای قومی از میان رفت و در مقابل، احساس یگانگی با مسلمین جهان قوت گرفت. این دگرگونی حیات بخش در نخستین گام، کتابهای درسی و منابع آموزشی را متأثر نمود و این ضرورت احساس شد که با آموزش مضامین و مفاهیمی به دانش آموزان پیرامون کشورها و نواحی مسلمان نشین،

برای آنکه اخوت ما، با این جمعیت عظیم فزونی یابد، در نخستین گام لازم است از اوضاع و احوال و شرایط جغرافیایی و تاریخی مسلمین مطلع شویم. این مسأله از دیدگاه تعالیم اسلام، ضرورتی است اجتناب ناپذیر. قرآن مجید به ما توصیه می کند که نه تنها گروههای مسلمان بلکه ملت‌های بشری را بشناسیم:

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم. (حجرات/۱۳)

در تعالیم پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه نیز به شناخت همه جانبه برادران مسلمان توصیه و تاکید شده است. رسول گرامی اسلام (ص) فرموده است: پست ترین در ماندگی و ناتوانی آن است که فردی با دیگری ملاقات کند و طرز فکر او را قبول داشته باشد، ولی از نام و نسب و جای او نپرسد (اصول کافی، جلد دوم، کتاب العشرة، باب النوادر، حدیث چهارم) از حضرت صادق (ع) نیز روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمود: اگر شما برادر مسلمان خود را دوست دارید باید نام او، نام پدر، تیره و فامیلش را بپرسید. زیرا از جمله حقوق واجب و علامت صداقت در دوستی، این است که از برادر دینی خود چنین اطلاعاتی را داشته باشیم. در غیر این صورت، شناسایی برادر مؤمن، احمقانه است (همان مأخذ، حدیث سوم)

### \* ضرورت شناخت اقلیتهای مسلمان

چهارصد میلیون نفر یعنی بیش از یک سوم مسلمانان به صورت اقلیت در کشورهای غیر مسلمان سکونت دارند. مهاجرت مسلمین، اسلام آوردن افراد غیرمسلمان، تحولات تاریخی، تبلیغات و نظایر آن، چنین وضعی را پدید آورده است.

اقلیتهای مسلمان در رفتار، سنتها، گرایشها و آموزشها، ویژگیهای متمایزی دارند که در واقع هویت اسلامی آنان را در میان جوامع غیراسلامی تثبیت می کند. در برخی مناطق جهان، گروههای مسلمان با تشکّل و پیروی از رهبران دینی، حفظ هویت اسلامی، پایداری نسبت به اصول و ضوابط مذهبی و اجتناب از فرقه گرایی توانستند قدرتی معنوی را پدید آورده و تحریکات سیاسی،

کلیات جغرافیایی هر قاره مورد بررسی قرار گرفته، سپس ذیل هر قاره، چند کشور انتخاب شده و مسایل گوناگون جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی آنها به اجمال از نظر خوانندگان می‌گذرد.

تألیف چنین اثری با توجه به مضمون و محتوا و اهمیت توضیحی آن، درخور قدردانی است، اما به رغم آنکه این کتاب از سوی گروهی کارشناس خبره تألیف شده و بیش از ده سال است در دبیرستانهای کشور تدریس می‌شود و در هر تجدید چاپ، اصلاحاتی در آن صورت گرفته، کاستیهایی دارد که نمی‌توان با اغماض از آنها گذشت.

یکی از ویژگیهای مهم کتیب درسی، ارائه مطالب علمی، دقیق و اصولی به زبانی قابل فهم برای عموم خوانندگان، در قالب نثری روان است. این گونه کتابها باید از هر گونه ابهام‌گویی و مطرح کردن نکات ناهمگون دور باشند. اما مؤلفین این کتاب به جای توجه به مفاهیم و مضامین علت و معلولی، غالباً به اطلاعات جدولی و دایرةالمعارفی روی آورده و از معرفی علل، ضوابط و اهداف نهان در پس مناسبات جهانی از جهات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بویژه تأثیر این مسایل بر تحولات جهان اسلام و اقلیتهای مسلمان، در اکثر موارد دوری گزیده‌اند.

در مقدمه کتاب آمده است:

«در توصیف پدیده‌های طبیعی و انسانی و اقتصادی سعی بر آن بوده تا در ذکر اسامی کوهها، شهرها مراکز صنعتی و معادن، زیاده روی نشود و تصویری از علم جغرافیا به دست داده شود تا به جای آنکه مجموعه ای از اسامی و اعداد باشد، به صورت دانش درک پدیده‌های جغرافیایی جهان و تجزیه و تحلیل تحولات آن پدیده جلوه کند.»

با نظری اجمالی به مباحث و مطالب مندرج در این کتاب، مشخص می‌شود که هدف مزبور تحقق نیافته و تنها انبوهی از اطلاعات - که برخی از آنها دقیق هم نیستند - بر حجم کتاب افزوده است. واقعیت این است که در این اوضاع نابسامان جهانی و آشفتگی‌هایی که ارمغان استکبار بوده و به خاطر منافع خود هر لحظه در نقاط حساس و استراتژیک جهان حوادثی می‌آفریند و استثمار و بهره‌کشی به شیوه‌ای نوین ادامه دارد، دانش جغرافیا می‌تواند نقشی مهم و درخور توجهی ایفا کند؛ از

پیوند امت اسلامی ایران با مسلمانان استحکام یابد و نسل جوان از رهگذر فراگیری این گونه مطالب، با واقعیتها، مشکلات و نابسامانی‌های حاکم بر نقاط مزبور آشنا شود.

### \* نگاهی کلی به کتاب جغرافیای قاره‌ها و کشورها

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش برای غنابخشیدن به آگاهی



دانش آموزان از کشورهای مسلمان، اقدام به تألیف کتابی تحت عنوان «جغرافیای کشورهای مسلمان» کرده که در سال چهارم دبیرستان تدریس می‌شود (این کتاب توسط نگارنده در آینه پژوهش، شماره ۱۹ مورد نقد و بررسی قرار گرفت.)

در مقدمه کتاب یاد شده، آمده است:

«کشورهایی که اقلیت قابل توجهی از مسلمانان در آنها زندگی می‌کنند، در کتاب دیگری به نام جغرافیای قاره‌ها و کشورها تدریس می‌شود.»

بنابراین کتاب جغرافیای قاره‌ها و کشورها که در سال اول آموزش متوسطه عمومی (ادبیات و علوم انسانی) تدریس می‌شود، ادعا دارد که مناطق جغرافیایی را که اقلیت مسلمان در آنها سکونت دارند مورد بررسی قرار داده است. اما با تورقی اجمالی مشاهده می‌شود که کتاب از چنین هدفی دور مانده و مجموعه مطالبی که در سراسر این کتاب ۱۷۷ صفحه‌ای درباره اقلیتهای مسلمان به چشم می‌خورد، در مقابل حجم کتاب بسیار ناچیز است. روش کتاب حاضر بدین گونه است که در آغاز،

نابرابریها سخن گوید و تحولات سیاسی را در مقیاس محلی، منطقه‌ای و جهانی مورد بحث قرار داده و راه حل اصولی و منطقی ارائه دهد. در نوشتار حاضر سخن از نقد کتابی درسی می‌رود و چون این عنوان را دارد، محتوای آن مورد بررسی قرار گرفته است.

### \* ملاحظاتی در معرفی قاره‌ها

در ص ۱۰ کتاب ذیل ویژگیهای انسانی آسیا آمده است: «اگر جمعیت جهان را در حدود ۵ میلیارد نفر به حساب آوریم، تقریباً ۶۴٪ از این جمعیت در قاره آسیا سکونت دارند.»

در صورتی که صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA) که همه ساله و در ۱۱ ژوئیه مطابق با بیستم تیرماه آمار سکنه جهان را منتشر می‌سازد، در گزارش خود به سال ۱۹۹۳ م. از پنج میلیارد و پانصد و هفتاد میلیون نفر جمعیت دنیا، ۵۹٪ آن را مربوط به قاره آسیا می‌داند.

در پایان همین صفحه، مؤلفین، آسیا را مهد ادیان معرفی کرده، می‌افزایند: «دین مقدس اسلام، مسیح و یهود ابتدا از قاره آسیا برخاسته و سپس در سایر قاره‌ها نیز گسترش یافته‌اند.»

از سوی کشوری مسلمان که انقلاب آن بر مسلمانان جهان تأثیری عظیم گذاشته، آن هم در کتابی درسی لازم بود به مسایل بیشتری در خصوص مسلمین قاره آسیا اشاره می‌شد. این قاره کانون نشر اسلام است و نسیم وحی در آغاز بر این سرزمین وزیدن گرفت. فرهنگ و تمدن اسلامی در آن بنیاد نهاده شد. بسیاری از آثار شکوهمند مسلمین که جلوه‌های معنوی و مقدس دارند در این قاره قرار دارند. بستر جغرافیایی صحنه‌های تاریخی صدر اسلام و مرکز خلافت و اقتدار سیاسی مسلمانان در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، در این خشکی وسیع قرار گرفته است. در وضع کنونی ۷۵٪ مسلمانان جهان در این قاره سکونت دارند که ۶۵٪ آن در واحدهای سیاسی مستقل و ۳۵٪ در کشورهای غیرمسلمان زندگی می‌کنند.

در نقشه صفحه ۸ و ۹ کشورهای مستقل قاره آسیا معرفی شده‌اند. با دقتی در این نقشه مشخص می‌شود که موقعیت این کشورها بر روی کره زمین از دقت جغرافیایی برخوردار نیست. این نکته با عنایت به طول و عرض

جغرافیایی و مقایسه این نقشه با سایر نقشه‌ها و اطلسها و کتب گیتاشناسی بیش از پیش روشن می‌شود. همچنین جمهوری خودمختار نخجوان که اکثریت سکنه آن مسلمان و شیعه مذهبند، جزو قلمرو جمهوری ارمنستان قرار گرفته است.

این سرزمین از ۲۰ بهمن ۱۳۰۲ به صورت جمهوری خودمختار درآمد که از نظر حقوقی و سیاسی تابع جمهوری آذربایجان است و هم اکنون گرچه مجلس مستقلی دارد، در امور سیاست خارجی و دفاع، تابع آذربایجان است و هیچ ارتباطی با ارمنستان ندارد، جز آنکه در مرز شمالی با این قلمرو همسایه است.

همچنین در این نقشه کشور اسلامی قطر، از امارات متحده عربی تفکیک نشده و مرز سیاسی این دو واحد مسلمان نشین مشخص نگردیده است.

بحرین مجمع الجزایری است در میان آبهای جنوب خلیج فارس که در مشرق آن قطر و در مغرب آن عربستان واقع شده است، این کشور ۳۳ جزیره بزرگ و کوچک دارد و اکثریت سکنه آن مسلمانند. اما در این نقشه، کشور یادشده، از قلم افتاده است.

در ساحل شمالی جزیره برنتو، کشور اسلامی برونتی واقع شده که اکثر سکنه آن مسلمانند، ولی در هنگام ترسیم نقشه مزبور، از معرفی آن صرف نظر شده است. این در حالی است که در مقدمه کتاب آمده است:

«کوشش شده با استفاده از عکسها و نقشه‌های مناسب به تفهیم مطالب کمک شود!» در جدول ص ۵۱ و ۵۰، کشورهای مسلمان با علامت ستاره مشخص شده‌اند و در پاورقی آمده است که کشورهای مزبور در کتابی جداگانه مطالعه می‌شوند، اما کشورهای برونتی، مالدیو و مالزی با علامت مذکور مشخص نگردیده‌اند، در صورتی که در کتاب جغرافیای کشورهای مسلمان جزو کشورهای اسلامی (به طور مجزا) معرفی شده‌اند.

در صفحه ۶۱ کتاب، مؤلفین اظهار می‌دارند: «تقریباً در همه گوشه و کنار جهان اثراتی از نفوذ فرهنگ و تمدن و یا استعمار اروپاییان می‌توان یافت.»

و جمهوری مقدونیه، اکثریت با مسلمانان است.

در ضمن همانگونه که اشاره شد ترکیه مربوط به آسیاست و ذیل کشورهای اسلامی در کتابی دیگر مطالعه می شود. همچنین سه سال است که کشور یوگسلاوی فروپاشیده و چند جمهوری از این قلمرو سر به در آورده اند که برخی از آنان از سوی مجامع بین المللی و اکثر کشورها به رسمیت شناخته شده اند. بعد از این همه تحول در این کشور، دیگر سخن گفتن از یوگسلاوی آن هم در کتابی درسی بی مورد است.

در ص ۷۴ روی نقشه، واحدهای سیاسی و قلمرو قاره اروپا مشخص گردیده است که اشکالاتی در آن به چشم می خورد: شکل کشور اسلامی بوسنی هرزگوین در مقایسه با منابع و اسناد دیگر دقیق نیست، حدود کشور صربستان معین نشده و جمهوری مقدونیه که حداقل ۳۰٪ مسلمان دارد، از روی نقشه حذف شده است. کشور مستقل اسلوونی (با ۲۰۲۵۱ کیلومتر مربع وسعت) که در غرب شبه جزیره بالکان و بین اتریش و کروواسی قرار گرفته، در این نقشه مشخص نگردیده است.

روی نقشه دو کشور «چک» و «اسلواکی» به صورت مجزای از یکدیگر معرفی شده اند؛ ولی در جدول ص ۱۰۳ تحت عنوان واحد چکسلواکی معرفی گردیده اند. همچنین در جدول مزبور کشورهای کروواسی، اسلوونی، بوسنی هرزگوین و مقدونیه نیامده اند. حداقل لازم بود به فاجعه بوسنی هرزگوین که زخم خون چکان جهان اسلام است، اشاره می گردید. در ص ۱۱۷ ذیل ادیان افریقا نوشته شده است:

«مخالفت با تبعیض نژادی و سهولت در پذیرش دین اسلام، سبب جذب این دین در قاره افریقا گردید.» بدیهی است که تنها این دلیل نمی تواند موجب قبول آیینی گردد و علت گسترش اسلام در بین مردمان جهان فراتر از اینهاست. اسلام آیینی است که بر فطرت انسانها بنیان نهاده شده و به اندیشه و تفکرات منطقی انسانها بها می دهد. عقل و عاطفه را درهم می آمیزد و قلوب را فتح می کند. و چون واضع قوانین آن خداوند است، طبیعی است که به چنین موفقیت اعجاب برانگیزی دست می یابد. به علاوه درستی و راستی مبلغین مسلمان و صدق ادعای آنان در نشر اسلام تأثیری بسزا داشته است. ذیل همین عنوان

اولاً فرهنگ و تمدن با مظاهر استعمار خیلی تفاوت دارد و نمی توان این دو را به جای هم بکار برد، ثانیاً چنین موضوعی کلیت ندارد که ما در همه جای کره زمین، اثراتی از فرهنگ اروپایی و حتی حرکات استعماری را مشاهده کنیم.

در ص ۶۲ و ۶۳ در خصوص مهاجرت های قاره اروپا، به این نکته مهم اشاره نشده که اکثر مهاجرین به این مسلمانانی هستند که از قاره های آسیا و افریقا به این سرزمین مهاجرت کرده اند. همچنین مهاجرت اروپاییان به سرزمینهای افریقایی و آسیایی صرفاً به منظور اکتشافات جغرافیایی نبود، بلکه بیشتر به انگیزه استعمار و استثمار و غارت جهان سوم صورت می گرفت.

در بحث زبانهای اروپا، کشور ترکیه جزو مناطق اروپایی قلمداد شده، در حالی که از ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع وسعت این کشور اسلامی، کمتر از ۳٪ در قاره اروپا قرار گرفته است.

در ص ۶۶ کتاب ذیل ادیان اروپا، در خصوص مسلمانان این قاره ادعا شده:

«علاوه بر مسیحیان، مسلمانان نیز در برخی کشورهای قاره اروپا زندگی می کنند که از آن میان می توان کشورهای ترکیه، بلغارستان، یوگسلاوی، آلبانی، انگلستان و اتریش را ذکر کرد.»

واقعیت این است که بزرگترین اقلیت مذهبی قاره اروپا، مسلمانانی هستند که به لحاظ منشاء نژادی به چند دسته تقسیم می شوند: مهاجرینی که در ادوار تاریخی از آسیا و افریقا به اروپا رفته اند؛ افرادی که از نواحی مستعمره پیشین اروپا، سرزمین خود را ترک و در اروپا رحل اقامت افکنده اند؛ افرادی که برای کار در کارخانجات، انجام فعالیت های خدماتی و بازرگانی و ادامه تحصیل، کشورهای مسلمان را به قصد اروپا ترک کرده اند.

با وجود آنکه منابع آماری وابسته به غرب از ذکر آمار دقیق و واقعی مسلمین این قاره امتناع می کنند، متجاوز از ۲۵ میلیون نفر مسلمان در کشورهای این قاره پراکنده اند. در برخی کشورهای اروپا همچون آلبانی، بوسنی هرزگوین



در ص ۱۳۹، تحت عنوان مذهب قاره آمریکا حتی نامی از مسلمانان این سرزمین نیامده است، در حالی که حدود چهارصد سال است که اسلام به این قاره راه یافته و بسیاری از مهاجرین کشورهای اسلامی که مسلمان هستند به این منطقه کوچیده اند و تنها در ایالات متحده آمریکا پنج میلیون نفر مسلمان سکونت دارند. نیمی از این رقم تنها طی سالهای اخیر به اسلام گرویده اند. ازدواج یکی از عوامل گرایش افراد به اسلام در امریکاست، زنان امریکایی غالباً پس از ازدواج با مردان مسلمان، اسلام را به عنوان آیین خویش می پذیرند.

بخش تحقیقات انجمن مسلمانان آمریکا در واشنگتن اظهار داشته است که همه ساله در امریکا ۲۵ هزار نفر به اسلام روی می آورند و از این نظر اسلام سریعترین رشد را در میان مذاهب این کشور دارد. جای بسی تأسف است که در کتاب درسی مقطع متوسطه، به مسلمانان امریکا اشاره ای نمی شود و از ذکر چنین تحولات امیدبخشی اجتناب می گردد.

از نواحی گوناگون جغرافیایی چهارده دسته مهاجر، سرزمینهای خود را ترک و به استرالیا عزیمت نموده و در این قاره ساکن شده اند که جمعیت قابل توجهی از آنها را مسلمین تشکیل داده اند. شایسته بود ذیل ویژگیهای انسانی این قاره، چنین پدیده در خور توجهی درج می گردید.

#### \* نارسایی در معرفی کشورها

از ده صفحه کتاب که به معرفی کشور هند اختصاص یافته، تنها در یک سطر چنین آمده: «اسلام با ۱۲٪ از کل جمعیت دومین دین این کشور است.»

در حالی که از گذشته های دور، اسلام در این منطقه وسیع گسترشی قابل توجه داشته و مسلمانان در چهره جغرافیایی آن به نحو بارزی اثر گذارده اند. بافت برخی شهرهای هند اساساً با پیش اسلام بنا گردیده است. یکی از پدیده های آشنای جغرافیایی با الهام از معنویت اسلام مسجد است که در اکثر ایالات هند با شکوه معماری اسلامی جلوه خاصی دارد. تعداد مدارس دینی در سراسر این کشور به ۴۵۰۰۰ باب می رسد که خود پدیده پُر جاذبه ای است.

اقلیت مسلمان این کشور خود رقم بسیار بالایی را

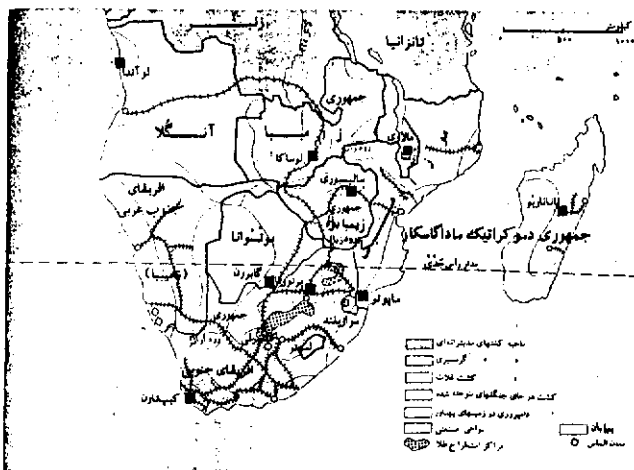
آمده که: «دین اسلام، خیلی سریع و راحت در شمال آفریقا گسترش یافت و هر روز دامنه نفوذ آن بیشتر می شود.» در حالی که مسلمانان در این قاره بطور نسبی اکثریت سکنه را تشکیل می دهند و در ۲۴ کشور آفریقایی بیش از ۸۵٪ مسلمانان سکونت دارند. در کشورهای که مسلمانان در اقلیت هستند، ۳۶٪ جمعیت را در بر می گیرند و این گونه نیست که مسلمانان این قاره به نواحی شمالی آن انحصار یابند. در برخی نقاط آفریقا می توان آثار مهمی از تمدن و فرهنگ اسلامی را شاهد بود و اصولاً آفریقا را قاره ای اسلامی نامیده اند.

در ص ۱۱۹، ذیل چهره سیاسی آفریقای امروز چنین می خوانیم:

«پس از جنگ [جهانی دوم] نهضت های استقلال طلبی در کشورهای آفریقا به وجود آمد و مقاومت هایی از طرف مردم این قاره، علیه دولتهای استعماری در قالب عقاید ناسیونالیستی نشان داده شد.»

واقعیت های تاریخی و اعتراف مورخین غربی مبین آن است که مسلمانان آفریقا با بهره گیری از تعلیمات اسلامی، نهضت های ضد استعماری را در این قاره به وجود آوردند و بر اثر این تأثیر پذیری بود که در مقابل متجاوزین اروپایی ایستادگی و آنان را وادار به تسلیم کردند و قطعاً تکیه بر باورهای اسلامی توانست چنین پیروزی هایی را بیافریند، نه عقاید ناسیونالیستی و گرایش های ملی گرایی.

در نقشه ص ۱۲۵، مرکز حکومت کشور اسلامی چاد «ان جامنا» ضبط شده که صحیح آن «نجامنا» است. همچنین در نقشه ص ۱۱۹، جمهوری فدرال اسلامی «کومور» مشخص نگردیده است.



تشکیل می دهد که با جمعیت چندین کشور که اکثریت اسلامی دارند، برابری می کند. از اندونزی، بنگلادش، پاکستان و نیجریه که بگذریم مسلمانان هند بیش از سکنه کشورهای اسلامی هستند.

به علاوه در برخی ایالات هند، مسلمانان در اکثریتند. ۶۵٪ سکنه ایالت جامو و کشمیر مسلمانند. در ایالت اوتار پرادش که از نظر وسعت چهارمین ایالت هند محسوب می شود و جمعیت آن دو برابر جمعیت بزرگترین ایالت هند یعنی مادیا پرادش است، ۲۳٪ کل سکنه مسلمانان هند سکونت دارند. مسلمانان در برخورد با هندوها متحمل صدمات و لطماتی شده و یکی از ناگوارترین حوادث جهان اسلام یعنی تخریب مسجد بابری از جمله آنهاست. لازم بود در کتابی که ادعای بررسی کشورهای با اقلیت قابل توجه اسلامی را دارد، به این مسایل بسیار مهم و جالب توجه می شد و حداقل از این ده صفحه، یک صفحه را به پراکندگی جغرافیایی و مسایل مسلمانان هند اختصاص می داد.

در ص ۱۴، تحت عنوان «ویژگیهای انسانی هند» مطلبی بدین صورت آمده است: «با مبارزات همه جانبه، مردم هند به رهبری گاندی به استقلال رسیدند. اما باید افزود که اسلام ملت هند را بیدار کرد و نهضتی فرهنگی، اجتماعی و علمی در این سرزمین پدید آورد. جواهر لعل نهرو اعتراف می کند که: اسلام از نظر پیشرفت انسانی و تمدن، رونق و جنبش تازه ای در هند به وجود آورد (نگاهی به تاریخ جهان، ج ۱، ص ۳۳۹). در مبارزه علیه استعمار انگلستان رهبران مسلمان همچون مولانا ابوالکلام آزاد، مولانا محمدعلی و شوکت علی نقش موثری ایفا کردند.

این کتاب هشت صفحه را به معرفی خصوصیات جغرافیایی، اجتماعی، انسانی و اقتصادی چین اختصاص داده و در خصوص مسلمانان این کشور بدین نکته بسنده کرده که «۶٪ مردم آن اسلام را اختیار نموده اند.»

آمارها گزارش می دهند که بیش از صد میلیون نفر مسلمان در چین زندگی می کند که با عنایت، به کل سکنه آن، ۱۰٪ جمعیت چین را تشکیل می دهند نه ۶٪ و این رقم چشمگیری است و با جمعیت کشوری اسلامی چون بنگلادش که اکثریت آن مسلمان هستند برابری می کند.

در میان نواحی چین در استان سین کیانگ (ترکستان شرقی) اکثریت با مسلمانان است.

در معرفی کشور اتیوپی (ص ۱۲۳) نکته ای آمده که قابل تأمل است:

«پس از جنگ اتیوپی و سومالی و ادامه درگیریهای اریتره، عده زیادی از مردم به کشورهای سودان، یمن، مصر و کنیا مهاجرت کردند.»

مسلمانان اریتره در آوریل ۱۹۹۳ م. تحت نظارت سازمان ملل با ۹۹/۸ درصد از آراء، به استقلال سرزمین خود رأی دادند و چندین کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران آن را به رسمیت شناختند. اکنون اریتره به عنوان کشوری اسلامی در مناسبات بین المللی مطرح است و نه به عنوان منطقه ای از اتیوپی.

در همین صفحه نوشته شده: «۳۵٪ از مردم [اتیوپی] پیرو دین مسیح هستند و ۵۰٪ دیگر مسلمان و بقیه پیرو ادیان مختلفند. تعداد مسلمانان هر سال رو به افزایش است.» طبیعی است که کشوری با اکثریت نسبی مسلمان، باید جزو کشورهای مسلمان مطالعه شود نه تحت عنوان سرزمینهایی که اقلیتی مسلمان دارند.

در ص ۱۴۴، ذیل دین و مذهب در ایالات متحده آمریکا آمده است:

«مذهب پروتستان از سایر مذاهب مسیحی پیروان بیشتری دارد»

چنانکه مشاهده می شود هیچ گونه اشاره ای به اقلیت مسلمان این کشور - که به نحو چشمگیری رو به افزایش است - نشده است.

نقدی بر کتاب جغرافیای قاره ها و کشورها

**\* شوروی سابق؟! \***

از آشفتگی هایی که بر کتاب حاکم است مطالب مؤلفین درباره اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده و ارائه اطلاعات در خصوص جمهوریهای تازه استقلال یافته آن است.

در حالی که در صفحه ۴۱، از جمهوری فدراتیو روسیه سخن می رود، در مواردی از «شوروی» و «شوروی سابق» مطالبی به میان آمده است. مشخص نیست که این عدم هماهنگی در معرفی روسیه از کجا ناشی می شود. با وجود آنکه چند سالی از فروپاشی شوروی و تحولات جدید می گذرد در جدول ص ۵۱، شوروی به عنوان واحدی سیاسی معرفی شده و با همین نام در نقشه ص ۳۱ ضبط گردیده است. در ص ۲۱ از صادرات هند به شوروی صحبت شده و در ص ۹۷ می خوانیم که «آلمان فدرال با شوروی روابط بازرگانی دارد»، این در حالی است که کتاب یاد شده در سال ۱۳۷۲ با تجدیدنظر و بازنگری و اصلاحات تجدید چاپ شده است! در ص ۴۶ کتاب آمده است:

«جمهوریهای تازه استقلال یافته و جدا شده از شوروی سابق با آنکه استقلال آنها از جانب مجامع بین المللی و بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده، هنوز کاملاً قوام سیاسی نیافته اند، چنانکه در مناطق مختلف آنها، همچنان درگیری و جنگ و جدال وجود دارد که از جمله درگیریهای آذربایجان و ارمنستان و نخجوان و ابخازستان و تاجیکستان را می توان نام برد...»

چنانکه ملاحظه می کنید در کتابی درسی آن چنان مسایل سیاسی جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز مخلوط شده که خواننده نمی تواند بفهمد بالاخره کدام یک از این مناطق دچار آشفتگی است و آیا نواحی معرفی شده بخشی از یک جمهوری هستند و یا خود واحدی مستقلند و اساساً آیا در خود این کشورها درگیری وجود دارد و یا آنکه با یکدیگر مناقشات مرزی دارند؟

**\* کاستیهای دیگر \***

در ضبط نام کشورها و اسامی و اعلام جغرافیایی در این کتاب، نوعی بی دقتی دیده می شود. کشور میانمار به سه صورت «میانما» «برمه» و «میانمار» نوشته شده است.

«مالاگاشی» گاهی به شکل مالاگاسی و در مواردی به صورت ماداگاسکار ضبط گردیده است. در پاورقی کتاب اعلام جغرافیایی به صورت لاتین آمده است، اما مشخص نیست که چرا این قاعده، استثنا هم دارد و نام برخی از اعلام که تلفظ و خواندن آنها دشوار نیز هست، در پاورقی نیامده است. به عنوان مثال اسامی نظیر دانمارك، ایتالیا، اسپانیا و... در پاورقی به صورت لاتین معرفی شده اند ولی عناوینی چون: مَن بلان، آرخانگلسک، اُنکا، چرنوزیوم، ولادی وستک و... بدون نام لاتین، در متن کتاب آمده اند.

در ص ۳۰ آمده که «جزایر ژاپن از جزیره ساخالین تا جزیره تایوان در جنوب به موازات ساحل غربی اقیانوس کبیر کشیده شده اند.» در اینجا مشخص نیست که ساخالین مربوط به کدام کشور است. خواننده فکر می کند مربوط به ژاپن می باشد، در حالی که جزو قلمرو سیاسی روسیه محسوب می گردد. در ص ۴۳، در مورد آب و هوای روسیه ادعا شده که: «از غرب به شرق بر میزان سرما و خشکی هوا افزوده می شود.» حال آنکه در سطر یازدهم همین صفحه آمده که: «در مشرق روسیه، آب و هوا معتدلتر و سرما کمتر است» که مطلب بالا را نقض می کند!

در ص ۷۸، گفته شده که معادن انگلستان از قرن سیزدهم شروع به استخراج گردید. مؤلفین مشخص نکرده اند که منظور کدام یک از سالهای هجری شمسی، هجری قمری و یا میلادی است.

در ص ۱۳۶ مسطور است که: «از نیمه دوم قرن پانزدهم ۱۴۹۲ میلادی» که حشو آن مشخص است. اشکالات دیگری از این نوع در کتاب به چشم می خورد که به دلیل اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می شود.

**\* نقایص در نگارش کتاب \***

عدم تجانس در نگارش کتاب و آشفتگی در ضبط عبارات و کلمات و عدم به کارگیری علائم نگارشی در



دوم آمارنامه اروپا در سال ۱۹۸۵م است که نه سال از تاریخ چاپ آن می گذرد. در میان مآخذ فارسی تنها دو یا سه جلد کتاب ارزش علمی دارند و بقیه فاقد اعتبارند و یا از محتوایی ضعیف برخوردارند.



جاهای مناسب، کتاب را دچار ابهام و اشکال کرده، به نحوی که برخی مطالب آن را دشوار ساخته است. کلماتی که با علامت «ها» جمع بسته می شوند، گاهی به صورت پیوسته و در مواردی جدا نوشته شده و یک نوع بی نظمی در تحریر این نوع الفاظ دیده می شود.

کلماتی چون: صورت، علت، وسایل، خارج، طوری، عمل، دریا، حدی، راه، حساب، حیات، وجود، سر، تدریج، خاک، جنگ، نفع، عنوان، چشم و ... وقتی حرف اضافه «به» بر سرشان آمده گاه پیوسته و گاه جدا از کلمه بعد، ضبط شده و این ناهمگونی در سراسر کتاب هویدا است. در معرفی پدیده های جغرافیایی چون رود، کوه، قاره و ... آنقدر حشو دیده می شود که خواننده را خسته می کند.

نام برخی کشورها به چند شکل آمده است. به عنوان مثال آنگولا، سری لانکا، اتریش، کین شازا و لتونی به ترتیب به صورت: آنگلا، سریلانکا، اطریش، کینشازا و لاتویا نوشته شده است.

### \* منابع کتاب

آفت دیگری که گریبانگیر کتاب جغرافیای قاره ها و کشورها شده، منابع و مآخذ آن است. روش مآخذنگاری کاملاً آشفته است.

از میان منابع خارجی که به فارسی ترجمه نشده نمونه هایی در بخش منابع فارسی آمده و دو مورد با ضبط لاتین آورده شده است.

در معرفی کتب مورد استفاده، گاهی نام مؤلف بدون ذکر نام مترجم، محل چاپ و ناشر و سال انتشار ذکر شده و در مواردی تنها به محل انتشار آن اکتفا شده است. یکی از منابع کتاب این گونه معرفی شده است:

«جغرافیای همسایگان و دوم راهنمایی، چاپ دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی!!» مشخص نیست که این منبع چه کتابی است و آیا دو منبع جداگانه را با هم معرفی کرده است و یا نه؟

از دو منبع لاتین یکی از آنها اطلسی در خصوص جغرافیای جهان و مربوط به شانزده سال قبل است که قطعاً در این مدت تغییرات اساسی در مرز کشورها و مناسبات سیاسی و جغرافیایی آنها پدید آمده است. مآخذ

